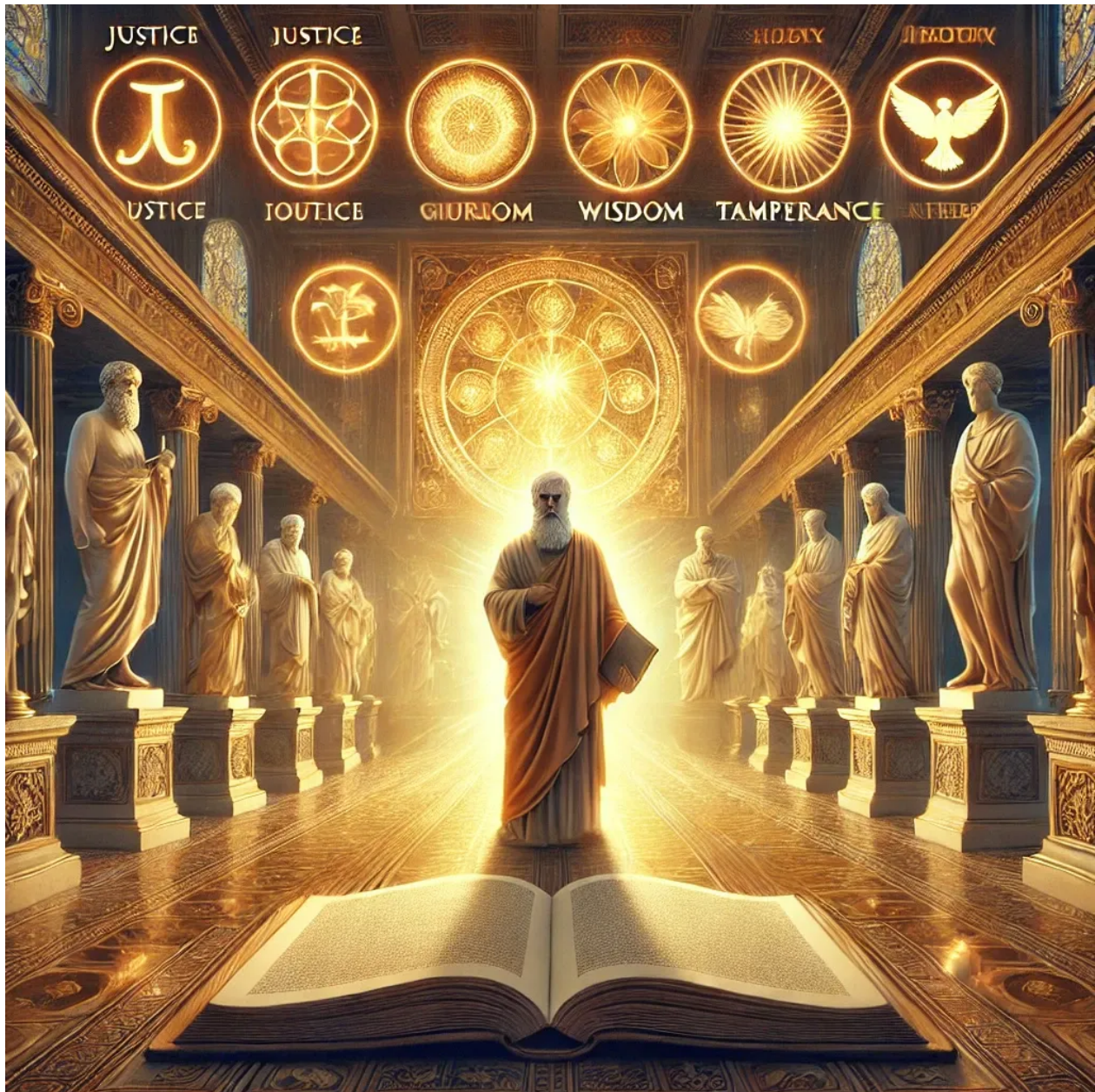


مکتب فکری اخلاق فضیلت محور (Virtue Ethics)



موسسه سروش پژوهان ایرانیان

مکتب فکری اخلاق فضیلت‌محور (Virtue Ethics)

اخلاق فضیلت‌محور (Virtue Ethics) یکی از مکاتب اصلی در فلسفه اخلاق است که به جای توجه صرف به قوانین اخلاقی یا پیامدهای اعمال، بر رشد شخصیت و فضایل فردی تأکید دارد. این مکتب می‌گوید که اخلاق نه فقط درباره‌ی انجام کار درست، بلکه درباره‌ی تبدیل شدن به یک فرد نیکوکار و بافضیلت است.

این دیدگاه، برخلاف نتیجه‌گرایی (Consequentialism) که معتقد است نتایج یک عمل تعیین‌کننده‌ی درستی آن هستند و وظیفه‌گرایی (Deontology) که تأکید دارد قوانین اخلاقی مطلق باید رعایت شوند، بر این باور است که پرورش فضایل اخلاقی در فرد، او را به انجام اعمال درست سوق می‌دهد.

۱. تعریف کلی اخلاق فضیلت‌محور

♦ این مکتب معتقد است که انسان باید صفات و ویژگی‌های اخلاقی نیکو را در خود پرورش دهد تا بتواند به شکوفایی اخلاقی برسد.

♦ برخلاف دیگر مکاتب اخلاقی که می‌پرسند «چه کاری درست است؟» اخلاق فضیلت‌محور می‌پرسد:

• «چه نوع انسانی باید باشیم؟»

♦ مثال:

• فردی که فضیلت "شجاعت" را در خود پرورش داده است، در شرایط سخت تصمیمات اخلاقی درستی می‌گیرد.

۲. اصول کلیدی اخلاق فضیلت‌محور

۲.۱. تأکید بر رشد شخصیت و فضایل اخلاقی

♦ اخلاق فضیلت‌محور بر این باور است که اخلاق، نه از طریق قوانین، بلکه از طریق پرورش صفات نیکو در فرد حاصل می‌شود.

♦ مثال:

- فردی که در خود "نوع دوستی" را پرورش داده است، بدون نیاز به قانون یا اجبار، به دیگران کمک می‌کند.

۲.۲. دستیابی به سعادت (Eudaimonia) - هدف نهایی زندگی اخلاقی

- ♦ ارسطو (Aristotle) این مفهوم را مطرح کرد که هدف نهایی اخلاق، دستیابی به "یودایمونیا" (Eudaimonia) یا شکوفایی انسانی است.

♦ ویژگی‌ها:

- فردی که فضایل اخلاقی را در خود پرورش داده باشد، به زندگی شکوفا و سعادت‌مند دست می‌یابد.

♦ مثال:

- فردی که فضایل خرد، شجاعت، اعتدال و عدالت را در خود پرورش داده است، زندگی‌ای پر از رضایت و خوشبختی خواهد داشت.

۲.۳. تعادل میان افراط و تفریط - نظریه‌ی "حد وسط" ارسطو

- ♦ ارسطو استدلال کرد که هر فضیلتی حد وسطی میان دو رذیلت است: افراط و تفریط.

♦ مثال:

- "شجاعت" حد وسط بین "ترس بیش از حد" (بزدلی) و "بی‌باکی افراطی" (حماقت) است.
- "سخاوت" حد وسط بین "خساست" و "ولخرجی" است.

۲.۴. نقش الگوهای اخلاقی در یادگیری فضیلت

- ♦ افراد، فضیلت‌های اخلاقی را نه از طریق کتاب‌ها، بلکه با مشاهده و تقلید از افراد با فضیلت یاد می‌گیرند.

♦ مثال:

- یک کودک با مشاهده‌ی رفتار یک معلم مهربان، یاد می‌گیرد که مهربانی یک ارزش اخلاقی است.

۳. فیلسوفان کلیدی اخلاق فضیلت‌محور

۳.۱. ارسطو (Aristotle) – بنیان‌گذار اخلاق فضیلت‌محور

- ♦ ارسطو معتقد بود که اخلاق یعنی پرورش فضایل برای رسیدن به سعادت.
- ♦ نظریه‌ی او بر حد وسط و تعادل اخلاقی تأکید دارد.

۳.۲. آکویناس (Thomas Aquinas) – فضیلت و دین

- ♦ آکویناس، نظریات ارسطو را با مسیحیت ترکیب کرد و گفت که فضیلت‌های اخلاقی و دینی، هر دو برای رسیدن به سعادت ضروری‌اند.

۳.۳. الیزابت آنسکوم (Elizabeth Anscombe) – احیای اخلاق فضیلت در دنیای

مدرن

- ♦ در قرن بیستم، آنسکوم اخلاق فضیلت را دوباره مطرح کرد و استدلال کرد که مکاتب اخلاقی دیگر، بدون در نظر گرفتن فضیلت، ناکارآمد هستند.

۴. نقد و مخالفت با اخلاق فضیلت‌محور

۱. منتقدان نتیجه‌گرا: استدلال می‌کنند که نتایج یک عمل، مهم‌تر از ویژگی‌های شخصیتی فرد است.
۲. منتقدان وظیفه‌گرا: معتقدند که اخلاق، باید بر اساس قوانین و اصول کلی باشد، نه ویژگی‌های فردی.
۳. ابهام در تعیین فضایل: مشخص نیست که چه فضایل و حد وسطی برای همه‌ی انسان‌ها مناسب است.

۵. تأثیر اخلاق فضیلت‌محور در حوزه‌های مختلف

- ♦ در فلسفه: پایه‌ی اخلاق ارسطویی و نظریه‌های مدرن شخصیت.
- ♦ در روانشناسی: تأثیر بر مطالعات درباره‌ی رشد شخصیت و فضایل انسانی.
- ♦ در آموزش: تأکید بر نقش معلمان و الگوهای اخلاقی در تربیت اخلاقی.
- ♦ در سیاست: تأکید بر فضایل رهبری و نقش اخلاق در سیاست.

۶. نتیجه‌گیری: آیا اخلاق یعنی پرورش فضیلت؟

اخلاق فضیلت‌محور این پرسش را مطرح می‌کند که آیا اخلاق یعنی انجام کار درست، یا تبدیل شدن به فردی بافضیلت؟

- ♦ اگر طرفدار اخلاق فضیلت‌محور باشید، باور دارید که پرورش ویژگی‌های اخلاقی نیکو، انسان را به انجام اعمال درست سوق می‌دهد.
- ♦ اگر طرفدار وظیفه‌گرایی باشید، معتقدید که باید از اصول اخلاقی پیروی کرد، صرف‌نظر از ویژگی‌های فردی.

در نهایت، اخلاق فضیلت‌محور یکی از تأثیرگذارترین مکاتب اخلاقی است که بر رشد شخصیت و شکوفایی انسان تأکید دارد.

♦ سفر قهرمانی جوزف کمپل شامل چندین مرحله است که قهرمان از دنیای معمولی خود فراخوانده می‌شود و وارد دنیای جدیدی می‌شود که در آن با چالش‌ها و دشمنان مواجه می‌شود. در این مسیر، قهرمان از یک راهنما یا استاد کمک می‌گیرد، با مشکلات و تضادهای درونی خود روبه‌رو می‌شود، و در نهایت از این تجربیات برای رشد و تحول استفاده می‌کند. پس از پیروزی بر موانع، قهرمان به دنیای خود بازمی‌گردد، اما با آگاهی و قدرت جدیدی که به دیگران کمک می‌کند. این سفر نشان‌دهنده‌ی فرآیند تغییر و تکامل فردی است.

۱) جهان عادی در مکتب فکری اخلاق فضیلت‌گرا چگونه تعریف می‌شود؟

✦ پاسخ کوتاه:

جهان عادی در اخلاق فضیلت‌گرا، دنیایی است که در آن انسان‌ها درگیر انتخاب‌های اخلاقی‌اند، اما فضیلت‌گرایان باور دارند که اخلاق نه بر اساس قوانین خشک و پیامدهای عمل، بلکه بر اساس پرورش فضایل شخصی و توسعه‌ی منش نیکو شکل می‌گیرد.

✦ جزئیات آموزشی:

- اخلاق فضیلت‌گرا، برخلاف وظیفه‌گرایی (کانتی) و پیامدگرایی (فایده‌گرایی)، بر رشد شخصیت و فضایل فردی تأکید دارد.
- این مکتب فلسفی ریشه در اندیشه‌های ارسطو دارد و بر این باور است که "زندگی خوب" از طریق پرورش فضایل مانند شجاعت، عدالت، خرد و اعتدال به دست می‌آید.
- در این دیدگاه، جامعه باید به گونه‌ای باشد که افراد را به توسعه‌ی فضایل اخلاقی هدایت کند.

۲) فراخوان ماجراجویی در اخلاق فضیلت‌گرا چه مفهومی دارد؟

✦ پاسخ کوتاه:

فراخوان ماجراجویی زمانی رخ می‌دهد که فرد متوجه می‌شود که تنها پیروی از قوانین اخلاقی یا محاسبه‌ی نتایج کافی نیست، بلکه باید به یک شخصیت بافضیلت تبدیل شود.

✦ جزئیات آموزشی:

- ارسطو این لحظه را زمانی می‌داند که فرد درمی‌یابد که سعادت (یودایمونیا) تنها از طریق پرورش فضایل امکان‌پذیر است.
- این لحظه می‌تواند زمانی رخ دهد که فرد در موقعیتی اخلاقی قرار بگیرد که قوانین یا پیامدها نمی‌توانند پاسخ‌گوی آن باشند.

- فرد به این نتیجه می‌رسد که تصمیمات اخلاقی باید بر اساس منش درونی و پرورش عادات نیکو اتخاذ شوند.

۳) امتناع از دعوت در اخلاق فضیلت‌گرا چگونه بروز می‌کند؟

♦ پاسخ کوتاه:

امتناع از دعوت زمانی اتفاق می‌افتد که فرد نمی‌خواهد بپذیرد که باید منش و شخصیت خود را تغییر دهد و به فضیلت‌های اخلاقی پایبند باشد.

♦ جزئیات آموزشی:

- بسیاری از افراد ترجیح می‌دهند که تنها به پیروی از قوانین اخلاقی (مانند اخلاق کانتی) یا محاسبه‌ی پیامدهای عمل (مانند فایده‌گرایی) بسنده کنند.
- پرورش فضیلت نیازمند تلاش مستمر است و برخی افراد از این مسیر سخت اجتناب می‌کنند.
- در این مرحله، فرد ممکن است بهانه‌هایی بیاورد مانند اینکه "همه این کار را می‌کنند" یا "این کار برای من آسان نیست".

۴) ملاقات با راهنما در اخلاق فضیلت‌گرا چه نقش مهمی دارد؟

♦ پاسخ کوتاه:

راهنما در اخلاق فضیلت‌گرا معمولاً یک معلم اخلاق، یک الگوی اخلاقی، یا حتی خود تجربه‌های زندگی است که فرد را به سمت رشد فضایل راهنمایی می‌کند.

♦ جزئیات آموزشی:

- در فلسفه‌ی ارسطویی، سقراط و دیگر فلاسفه‌ی باستانی نقش راهنما را دارند که نشان می‌دهند چگونه باید شخصیت را اصلاح کرد.
- مربیان، والدین، یا شخصیت‌های بزرگ تاریخی می‌توانند الگوهایی برای کسب فضایل باشند.

- چالش‌های زندگی نیز می‌توانند به‌عنوان راهنما عمل کنند، زیرا افراد از طریق تجربه و آزمون‌های دشوار، فضایل خود را تقویت می‌کنند.

۵) عبور از آستانه در اخلاق فضیلت‌گرا چه مفهومی دارد؟

پاسخ کوتاه:

عبور از آستانه لحظه‌ای است که فرد تصمیم می‌گیرد که به‌جای پیروی سطحی از قوانین یا تمرکز صرف بر پیامدها، شخصیت خود را بر اساس فضیلت‌ها شکل دهد.

جزئیات آموزشی:

- این مرحله، زمانی رخ می‌دهد که فرد آگاهانه شروع به تمرین فضایل مانند شجاعت، صداقت، و شفقت می‌کند.
- فرد درمی‌یابد که رسیدن به سعادت واقعی (یودایمونیا) نه‌تنها با انجام اعمال درست، بلکه با داشتن شخصیت درست محقق می‌شود.
- در این مرحله، فرد به دنبال الگوبرداری از افراد بافضیلت و یادگیری از آن‌ها است.

۶) آزمون‌ها، متحدان و دشمنان در اخلاق فضیلت‌گرا چه نقشی دارند؟

پاسخ کوتاه:

آزمون‌ها، موقعیت‌هایی‌اند که فرد را وادار به انتخاب میان عمل بافضیلت و تسلیم‌شدن در برابر وسوسه‌ها می‌کنند. متحدان، الگوهای اخلاقی و ارزش‌های انسانی‌اند. دشمنان، عادات بد، تمایلات افراطی و وسوسه‌های زودگذرند.

جزئیات آموزشی:

- **آزمون‌ها:** تصمیم‌گیری‌های اخلاقی دشوار، چالش‌های زندگی که فضایل فرد را محک می‌زنند.
- **متحدان:** خرد، تجربه، مربیان، آموزه‌های فلسفی، و افراد بافضیلت.

- دشمنان: تنبلی اخلاقی، عادات نادرست، تمایلات افراطی (مانند افراط در شجاعت که به بی‌پروایی تبدیل شود).

۷) نزدیک شدن به غار درونی در اخلاق فضیلت‌گرا چگونه بیان می‌شود؟

پاسخ کوتاه:

این مرحله زمانی رخ می‌دهد که فرد با آزمونی اخلاقی روبه‌رو می‌شود که مستلزم نشان دادن فضایل بالاترین سطح است و باید تصمیم بگیرد که آیا واقعاً به اصول فضیلت‌گرایانه پایبند بماند یا به عادات گذشته بازگردد.

جزئیات آموزشی:

- این مرحله نشان‌دهنده‌ی بالاترین سطح چالش اخلاقی است که فرد را وادار به انتخاب بین ارزش‌های حقیقی و تسلیم‌شدن در برابر ضعف‌های شخصی می‌کند.
- ممکن است فرد در برابر فشاری اجتماعی برای انجام عملی غیراخلاقی قرار بگیرد و باید تصمیم بگیرد که آیا به فضایل خود پایبند بماند یا خیر.
- این لحظه‌ی سرنوشت‌ساز، همان جایی است که فرد باید به‌جای انتخاب‌های آسان، تصمیمی را بگیرد که نشان‌دهنده‌ی رشد اخلاقی او باشد.

۸) پیام نهایی اخلاق فضیلت‌گرا چیست؟

پاسخ کوتاه:

پیام نهایی این است که اخلاق تنها درباره‌ی قوانین یا پیامدها نیست، بلکه درباره‌ی تبدیل‌شدن به فردی بافضیلت است که در طول زندگی، شخصیت خود را رشد می‌دهد.

نتیجه‌گیری:

- فضیلت‌گرایی به ما می‌آموزد که زندگی اخلاقی یعنی پرورش منش و شخصیت، نه فقط انجام اعمال خاص.

- زندگی خوب و سعادت واقعی تنها زمانی حاصل می‌شود که فرد به انسان بهتری تبدیل شود، نه اینکه صرفاً از مجموعه‌ای از قوانین پیروی کند.
- این مکتب اخلاقی به ما نشان می‌دهد که رشد اخلاقی یک فرآیند مداوم است و هیچ‌گاه کامل نمی‌شود، بلکه نیازمند تلاش مستمر برای بهبود شخصیت است.

📌 سایه‌ها و ارتباطشان با کهن الگوهای سفر قهرمانی جوزف کمپل:

۱. **سایه‌ی قهرمان (خود منفی):** قهرمان به‌طور مداوم با جنبه‌های تاریک خود، ترس‌ها و ضعف‌های درونی‌اش روبه‌رو می‌شود. کهن‌الگوی سایه، نمایانگر این تضاد درونی است که قهرمان برای تحول باید بر آن غلبه کند و از آن عبور کند.
۲. **سایه‌ی استاد (والد نیکوکار یا آموزگار معنوی):** قهرمان برای رسیدن به خودآگاهی و توانایی‌های جدید، با شخصی حکیم یا استاد مواجه می‌شود که توانایی‌های درونی‌اش را بیدار می‌کند. این استاد در نهایت، قهرمان را به مواجهه با سایه‌ها و کشف حقیقت خود هدایت می‌کند.
۳. **سایه‌ی حریف (آنتاگونیست یا نیروهای منفی):** نیروهایی که از خارج قهرمان را به چالش می‌کشند و به‌طور معمول نمایانگر تضادها و مشکلات اجتماعی یا فردی هستند. کهن‌الگوی دشمن یا آنتاگونیست نشان می‌دهد که برای دستیابی به پیروزی و تکامل، قهرمان باید این موانع را شکست دهد.

سایه‌ی اصلی در مکتب فکری اخلاق فضیلت‌محور:

تمرکز بیش از حد بر کمال فردی، نادیده گرفتن عدالت اجتماعی و قوانین، و خطر خودبرتربینی اخلاقی.

ارتباط با کهن‌الگوها:

۱. **اخلاق فضیلت‌محور - کهن‌الگوی قهرمان اخلاقی و جوینده‌ی کمال انسانی**
 اخلاق فضیلت‌محور، مکتبی است که به جای تمرکز بر قوانین خشک (اخلاق وظیفه‌گرا) یا نتایج عمل (اخلاق نتیجه‌گرا)، به رشد شخصیت و فضایل انسانی تأکید دارد. این مکتب، مانند کهن‌الگوی قهرمان

اخلاقی، فرد را به پرورش ویژگی‌هایی مانند شجاعت، صداقت و خرد دعوت می‌کند. سایه‌ی این نگرش، نادیده گرفتن سیستم‌های اجتماعی و فرو رفتن در فردگرایی اخلاقی است.

۲. ارسطو - کهن‌الگوی خردمند و مربی فضیلت

ارسطو، بنیان‌گذار اخلاق فضیلت‌محور، بر این باور بود که خوشبختی واقعی (اودایمونیا) از طریق رشد فضایل و تبدیل شدن به انسانی شایسته به دست می‌آید. او مانند کهن‌الگوی مربی، تلاش کرد راهی برای پرورش انسان‌های متعادل و خردمند ارائه دهد. سایه‌ی این دیدگاه، این است که ممکن است فرد تنها بر کمال شخصی تمرکز کند و نقش شرایط اجتماعی را در شکل‌گیری اخلاق نادیده بگیرد.

۳. تمرکز بر نیت و شخصیت - کهن‌الگوی خودسازی و تعالی فردی

در این مکتب، رفتار اخلاقی بر اساس ویژگی‌های درونی فرد ارزیابی می‌شود، نه صرفاً قوانین یا نتایج عمل. این نگرش، مانند کهن‌الگوی سالک معنوی، انسان را به سفری برای پرورش خویشتن دعوت می‌کند. سایه‌ی این مرحله، تأکید بیش از حد بر فضایل شخصی و نادیده گرفتن مسئولیت‌های اجتماعی است.

۴. تقابل با اخلاق وظیفه‌گرا و نتیجه‌گرا - کهن‌الگوی تعادل میان ارزش‌های درونی و واقعیت بیرونی
اخلاق فضیلت‌محور، در برابر اخلاق کانتی (که قوانین را مبنای اخلاق می‌داند) و اخلاق فایده‌گرا (که نتیجه‌ی عمل را ملاک ارزیابی می‌کند) قرار دارد. این مکتب، مانند کهن‌الگوی میانجی، تلاش می‌کند تعادلی میان نیت و نتیجه ایجاد کند. سایه‌ی این تقابل، نادیده گرفتن ضرورت قوانین و معیارهای عینی برای قضاوت اخلاقی است.

۵. خطر سقوط به خودبینی اخلاقی - کهن‌الگوی پارسای متعصب

اگر اخلاق فضیلت‌محور بیش از حد فردمحور شود، ممکن است فرد را به سمت خودبرتربینی و قضاوت دیگران سوق دهد. کسی که بر فضیلت‌های شخصی تأکید دارد، ممکن است خود را از دیگران اخلاقی‌تر بداند و نسبت به آن‌ها بی‌رحم یا سخت‌گیر شود. این رویکرد، مانند کهن‌الگوی زاهد متعصب، ممکن است فرد را از همدلی و انعطاف‌پذیری دور کند. سایه‌ی این مرحله، تبدیل شدن به فردی است که فضیلت‌های خود را به دیگران تحمیل می‌کند.

۶. شغای سایه‌ی اخلاق فضیلت‌محور - کهن‌الگوی ادغام خودسازی و مسئولیت اجتماعی

برای رهایی از سایه‌های این مکتب، باید میان رشد فردی و تأثیر اجتماعی تعادل برقرار کرد. این مسیر، مانند سفری است که در آن فرد، پس از پرورش فضایل شخصی، یاد می‌گیرد که چگونه از آن‌ها در جهت بهبود جامعه استفاده کند.

نتیجه:

سایه‌ی اصلی اخلاق فضیلت‌محور، تمرکز بیش‌ازحد بر کمال فردی و نادیده گرفتن مسائل اجتماعی و عملی است. مسیر شفای آن، در ایجاد تعادل میان خودسازی و مسئولیت اجتماعی نهفته است، جایی که فضیلت‌های فردی نه تنها برای رشد شخصی، بلکه برای ایجاد جامعه‌ای عادلانه و هماهنگ به کار گرفته می‌شوند.